



IRISEKAI



T.me/IriSekai



Instagram.com/IrisSekai

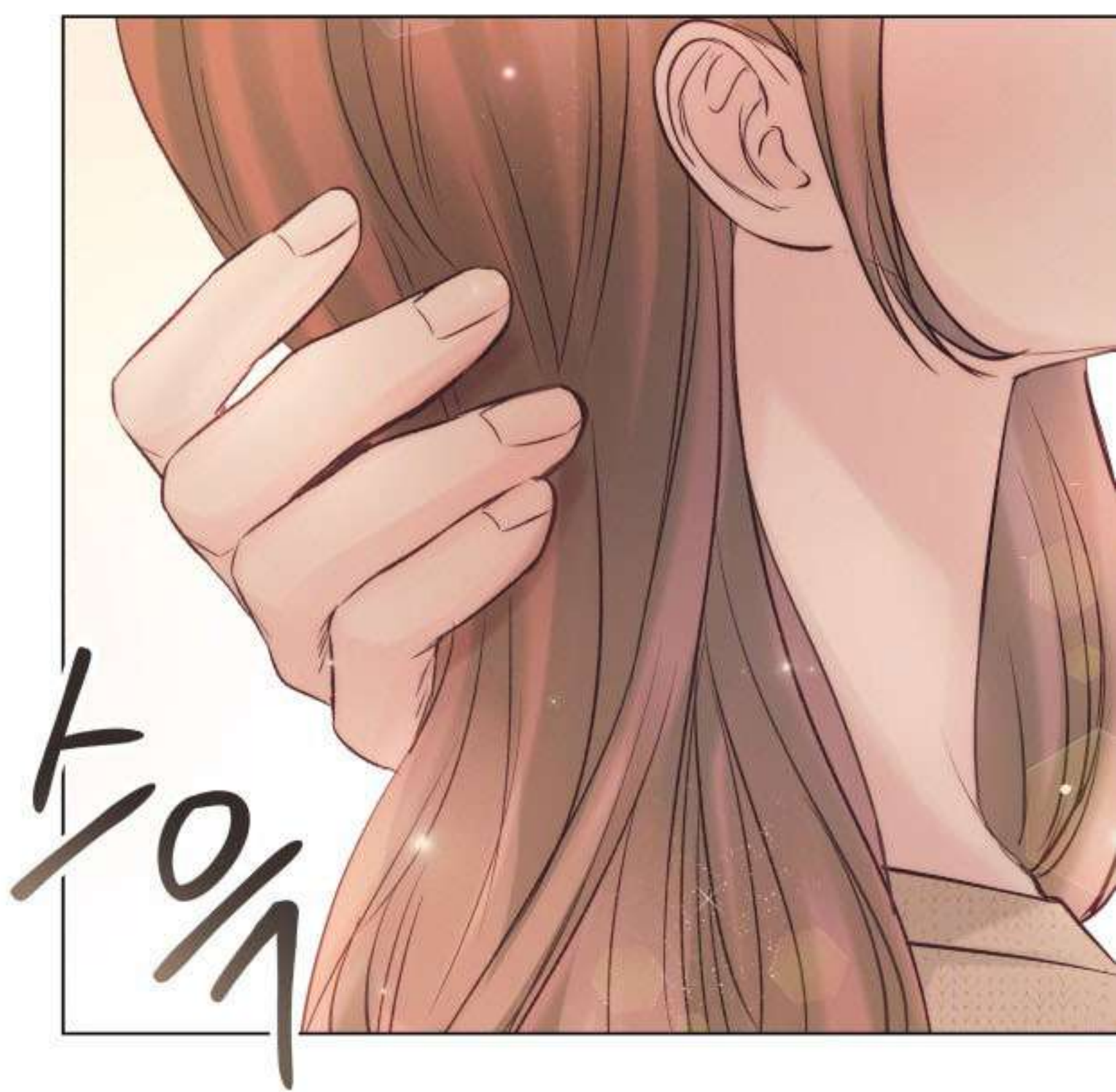
مترجم: p.d

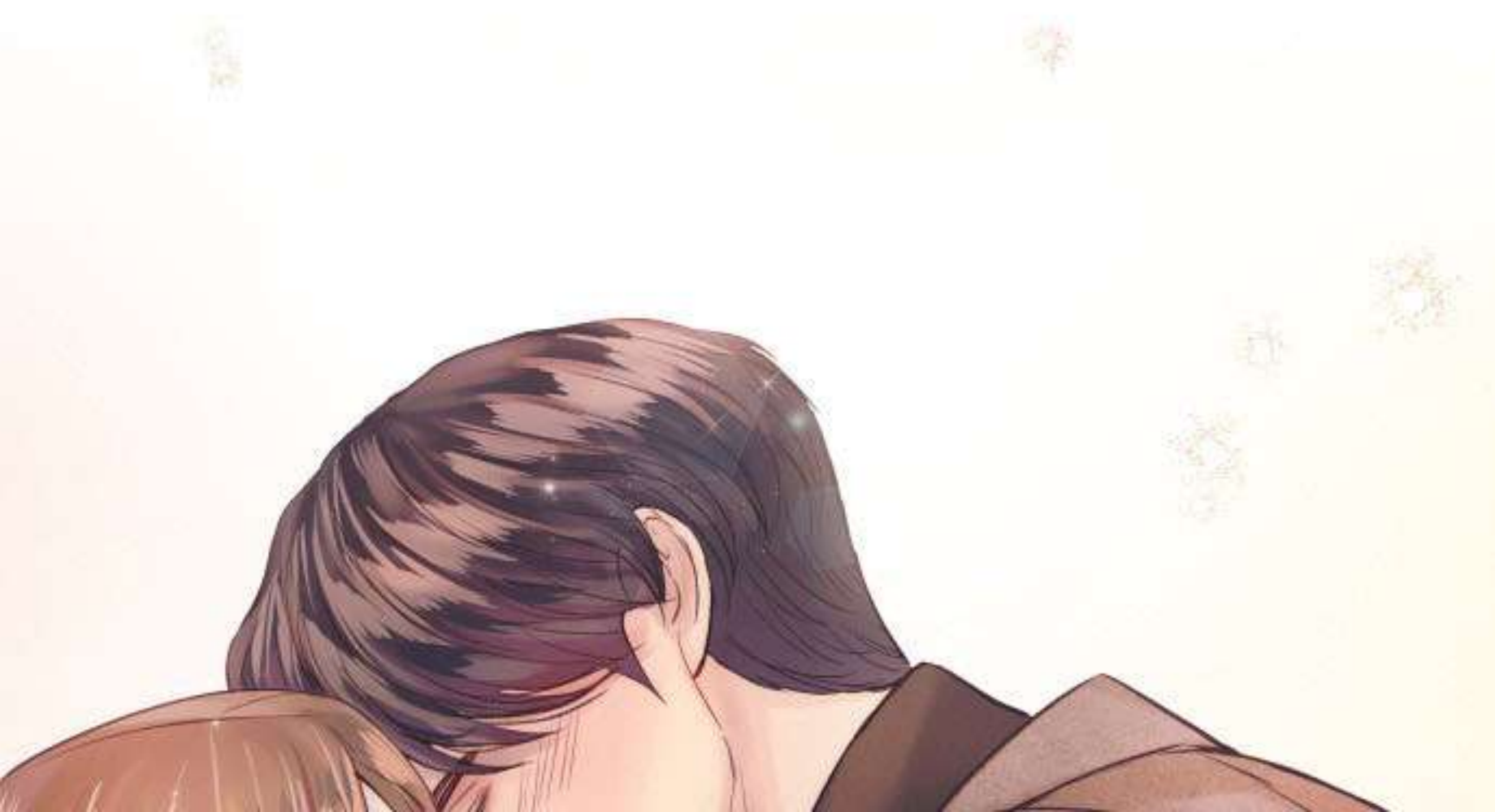
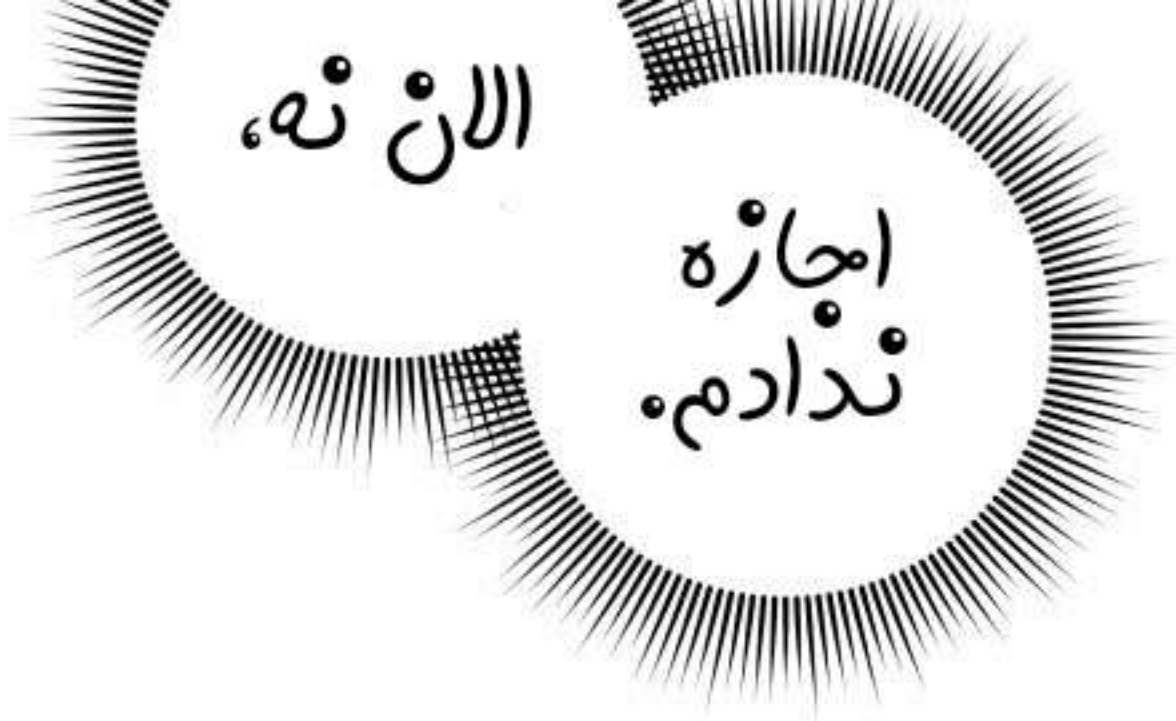
کلیئر: Yuan hua

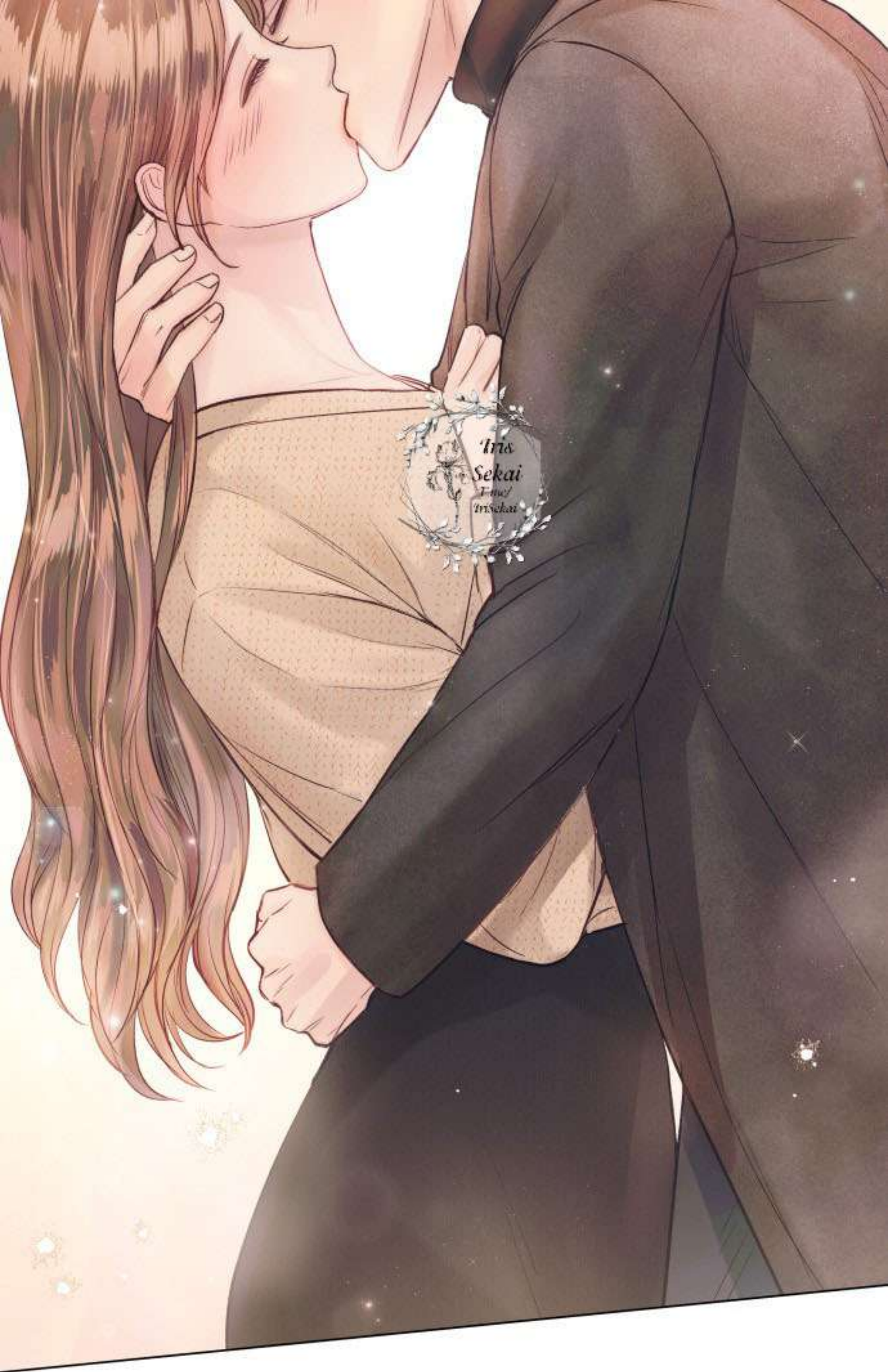
تایپیست: Emmy

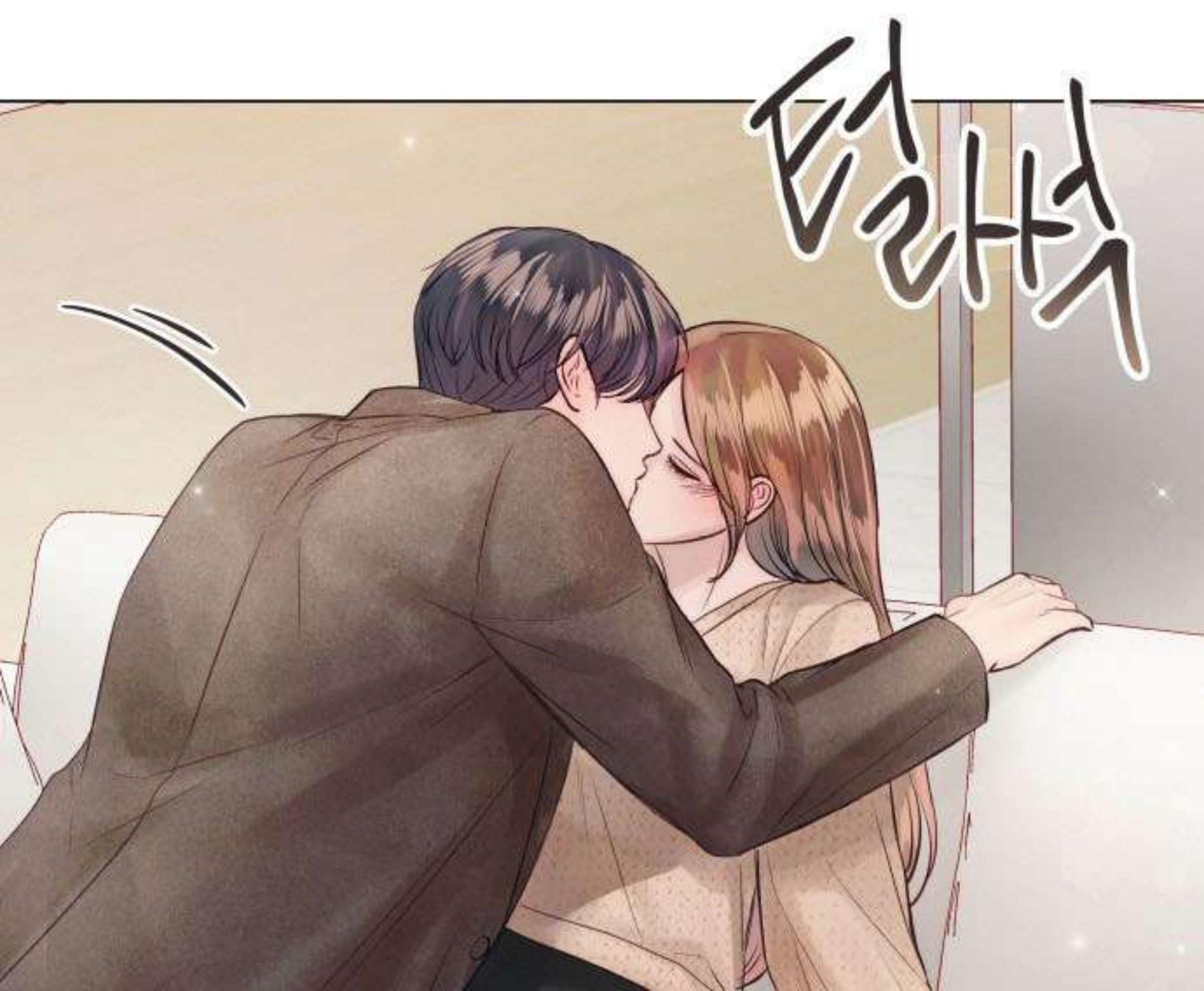


همين
الان.













...تمومش
کن.

آه.





داشتم چون
می‌کنم بگم نه.



پس بهتره از
این به بعد
زودتر حرفت
رو بزنی.





تا منم
دیگه اشتباهی
نکنم.



اگه این طوره،
چرا باید
اینو بگم؟

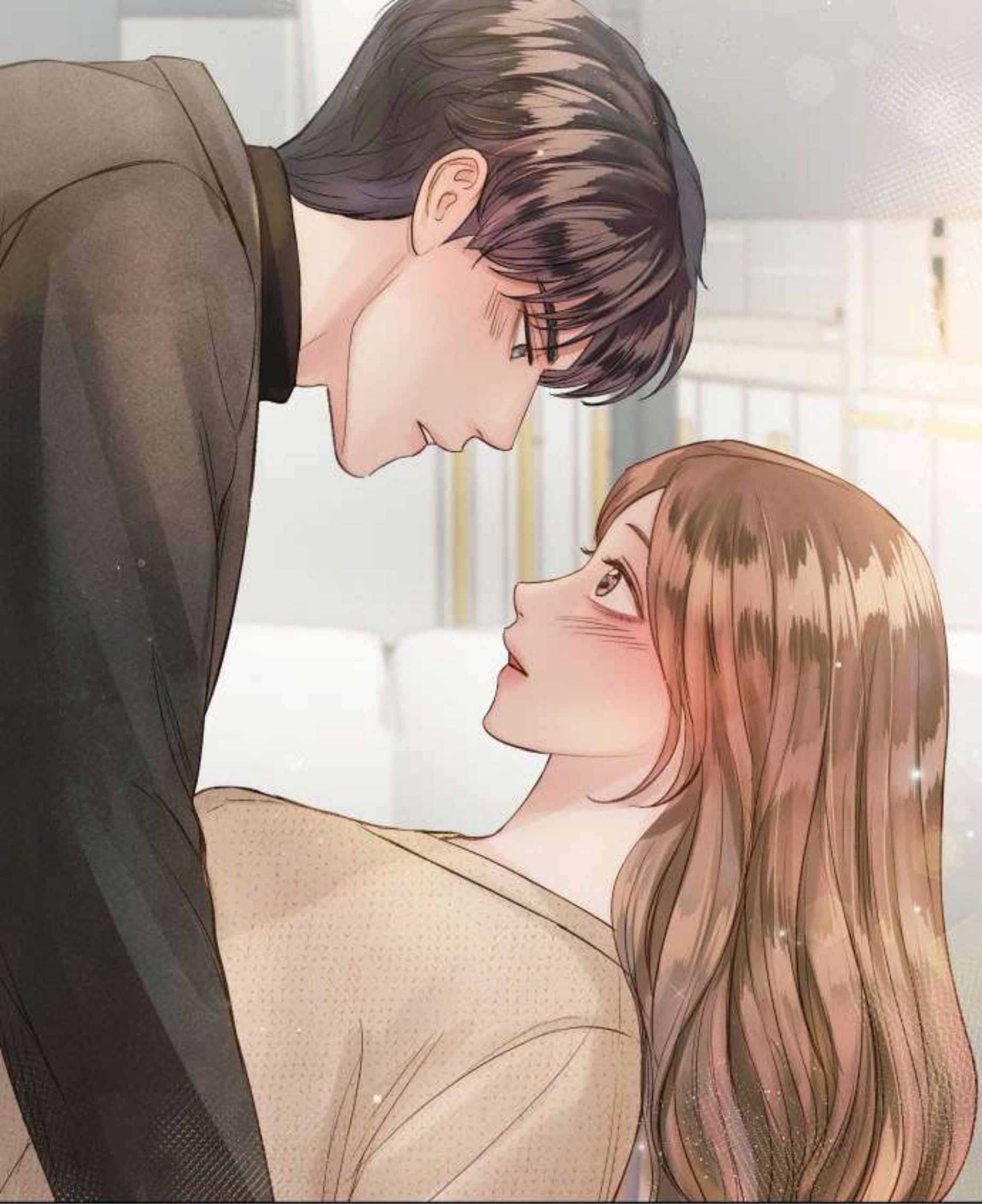
پس از شرش
خلاص شو.

히
청

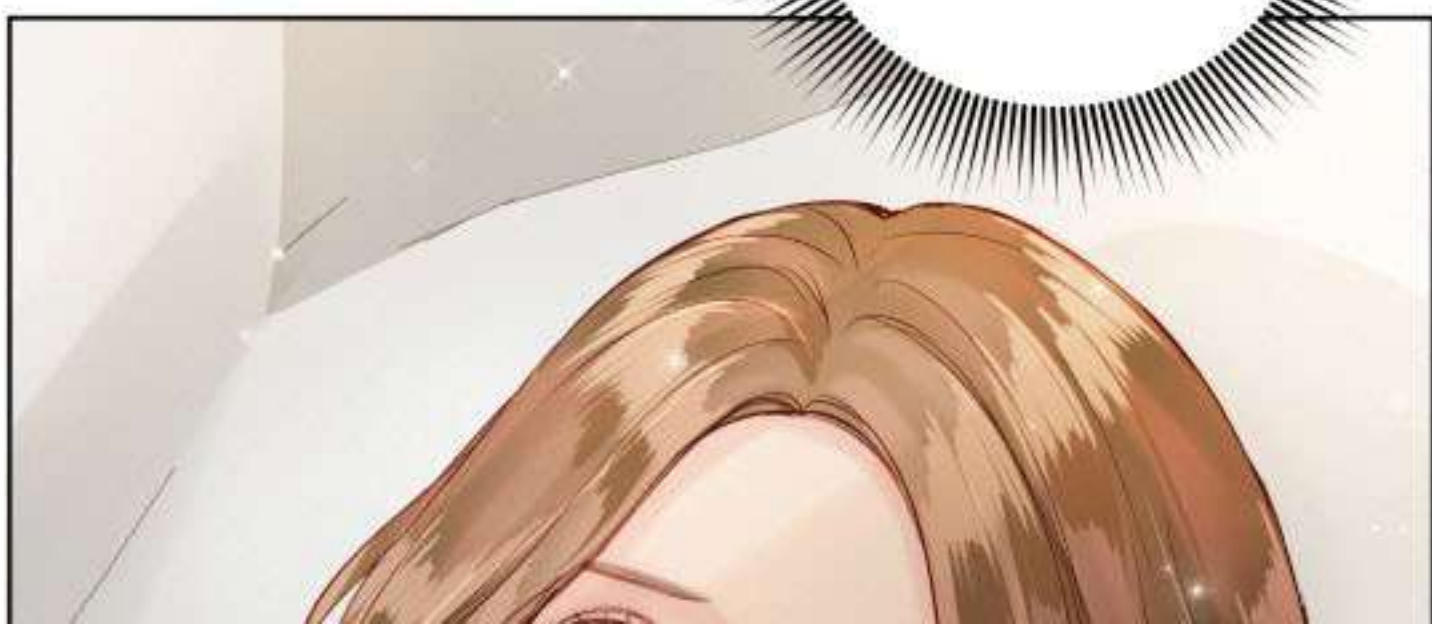
و بهم
اجازه بده.



من از اجازه
گرفتن خوشم
نمیاد.



واقعا
احمقانه اس.





چرا داری
اینکارو می کنی،
چرا؟



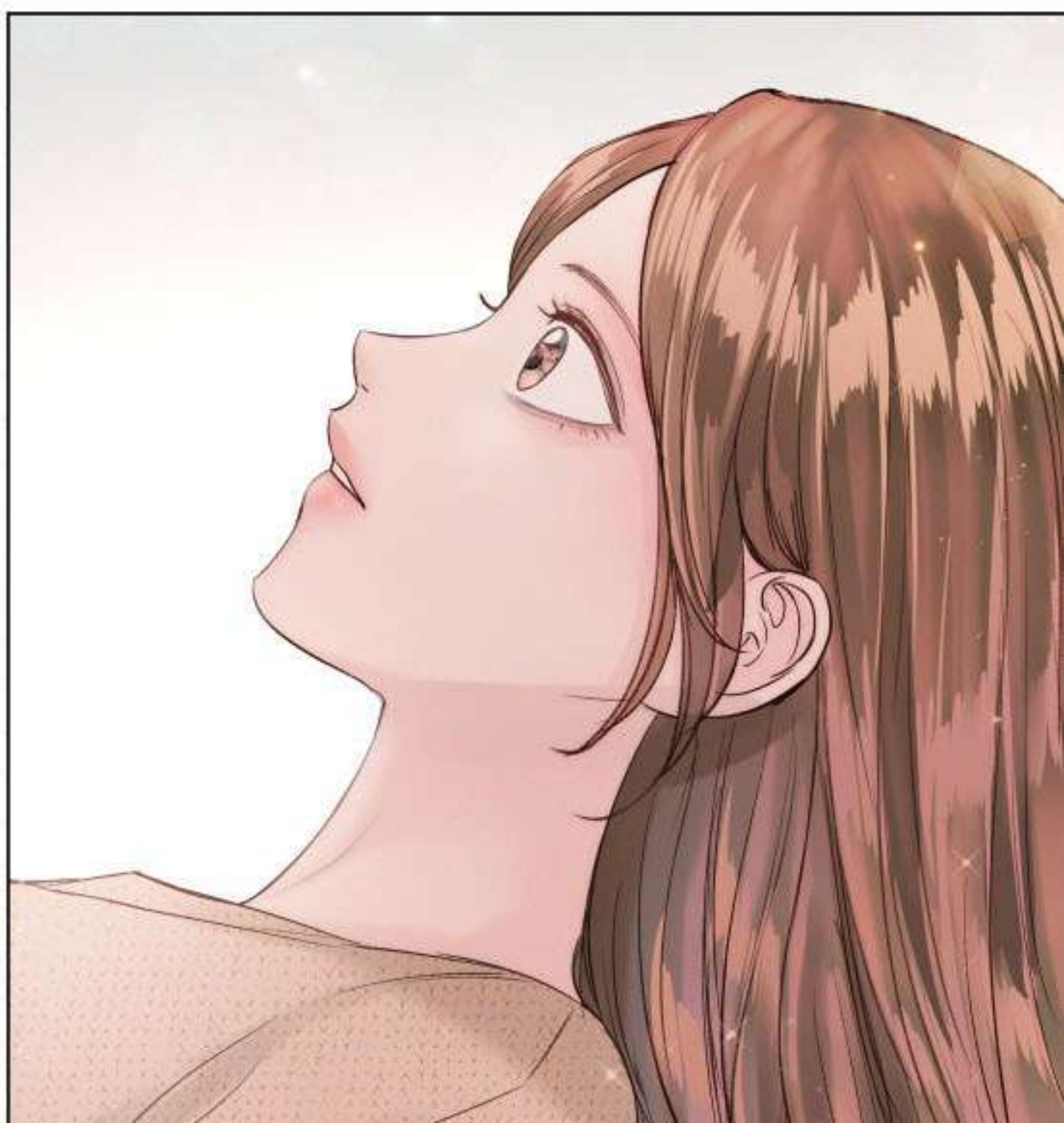
می خوام
بیوسمت.

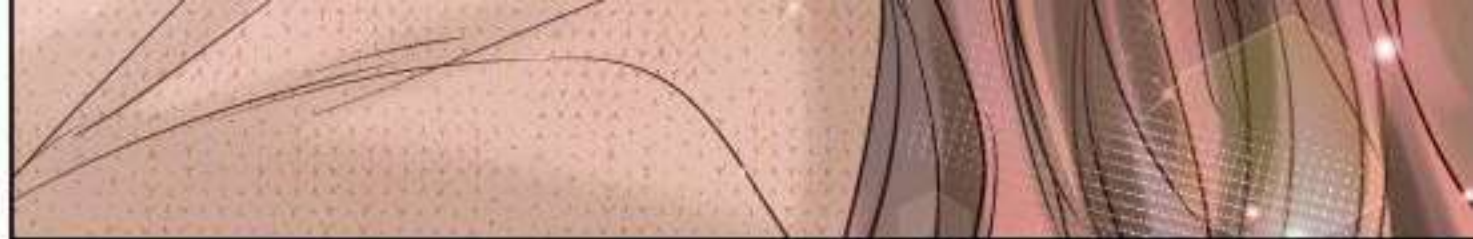


چرا اینو
می خوای؟

می خوام
بیوسمت،
چون دلم
می خواد.

دلم می خواد
اینکارو بکنم،
دلیل می خواد؟





دلیلی
نداره؟



به چچی
نگاه میکنی!

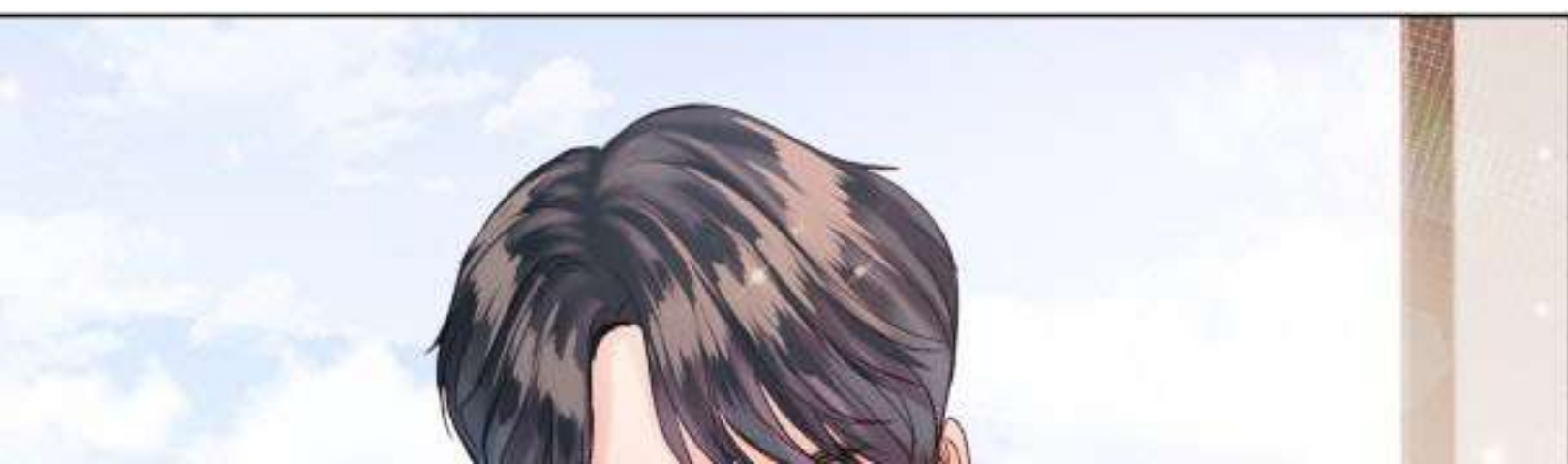
نه، نمی خوام

الان ببوسمت.



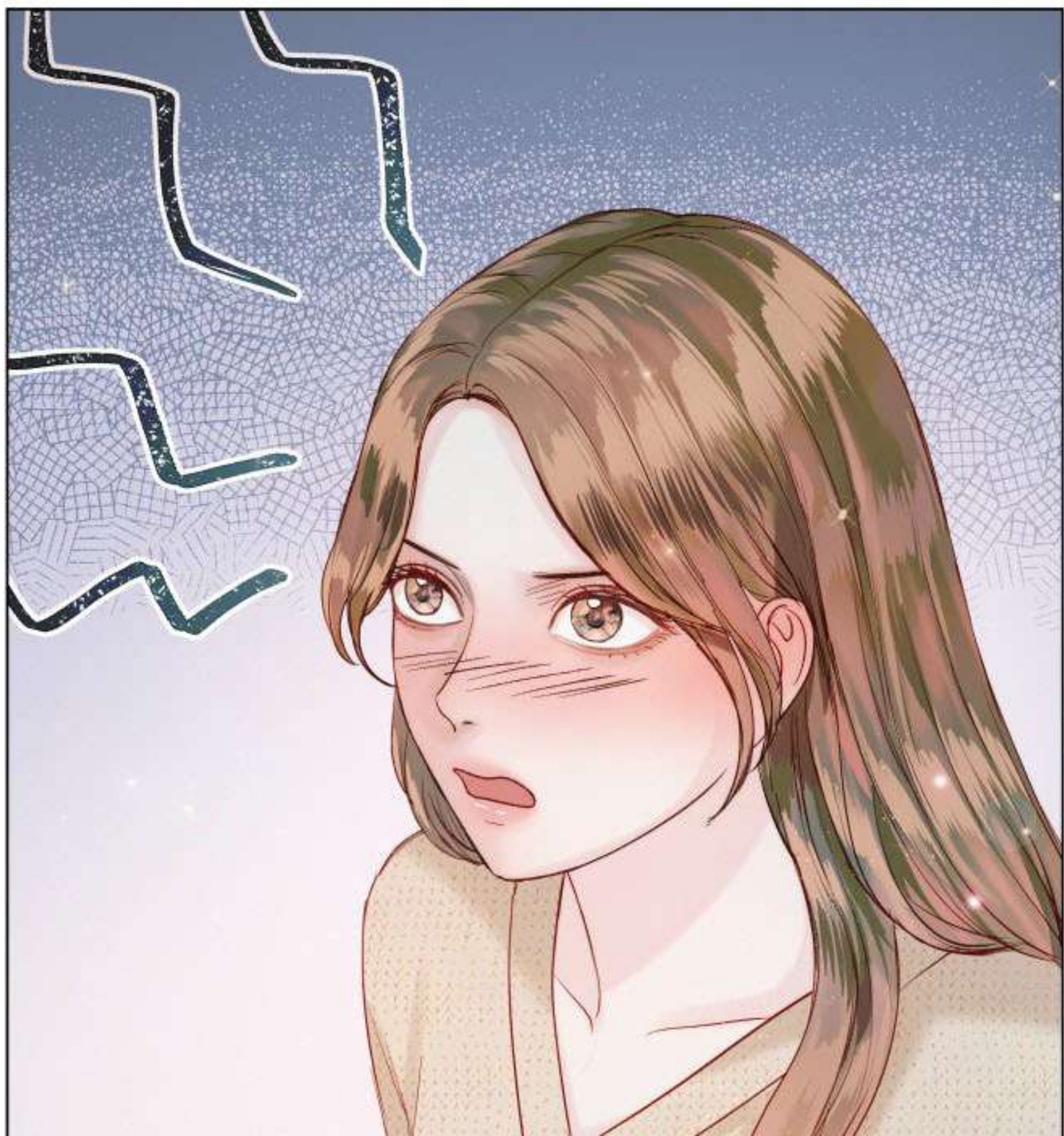
هیچوقت
نمی بوسمت،
هیچوقت
هیچوقت.

چرا
نمی خواهی؟





چرا اینقدر
ازش بدت
میاد؟



من "هیچوقت"
انجامش نمی‌دم.

چی؟
چیو؟

??

??

آره...
آره....



بعد اون همه چیز،
ما الان به
کاپل ایم، این
چیز مهمیه.



A man with dark hair, wearing a brown suit, is leaning over a woman with long brown hair wearing a tan jacket. They are in a room with light-colored square tiles on the wall. The man is looking down at the woman, and she is looking up at him. A speech bubble from the man says "باید ببوسمت." (I have to kiss you). A speech bubble from the woman says "می تونم الان انجامش بدم." (Can I do it now?).

باید
ببوسمت.

می تونم الان
انجامش بدم.



من
اوکی ام.

반드시 해피엔딩

각색 불사 그림 재림
원작 플아다





پشماااااا

چه فکری می کنی!
لعنت بهش!



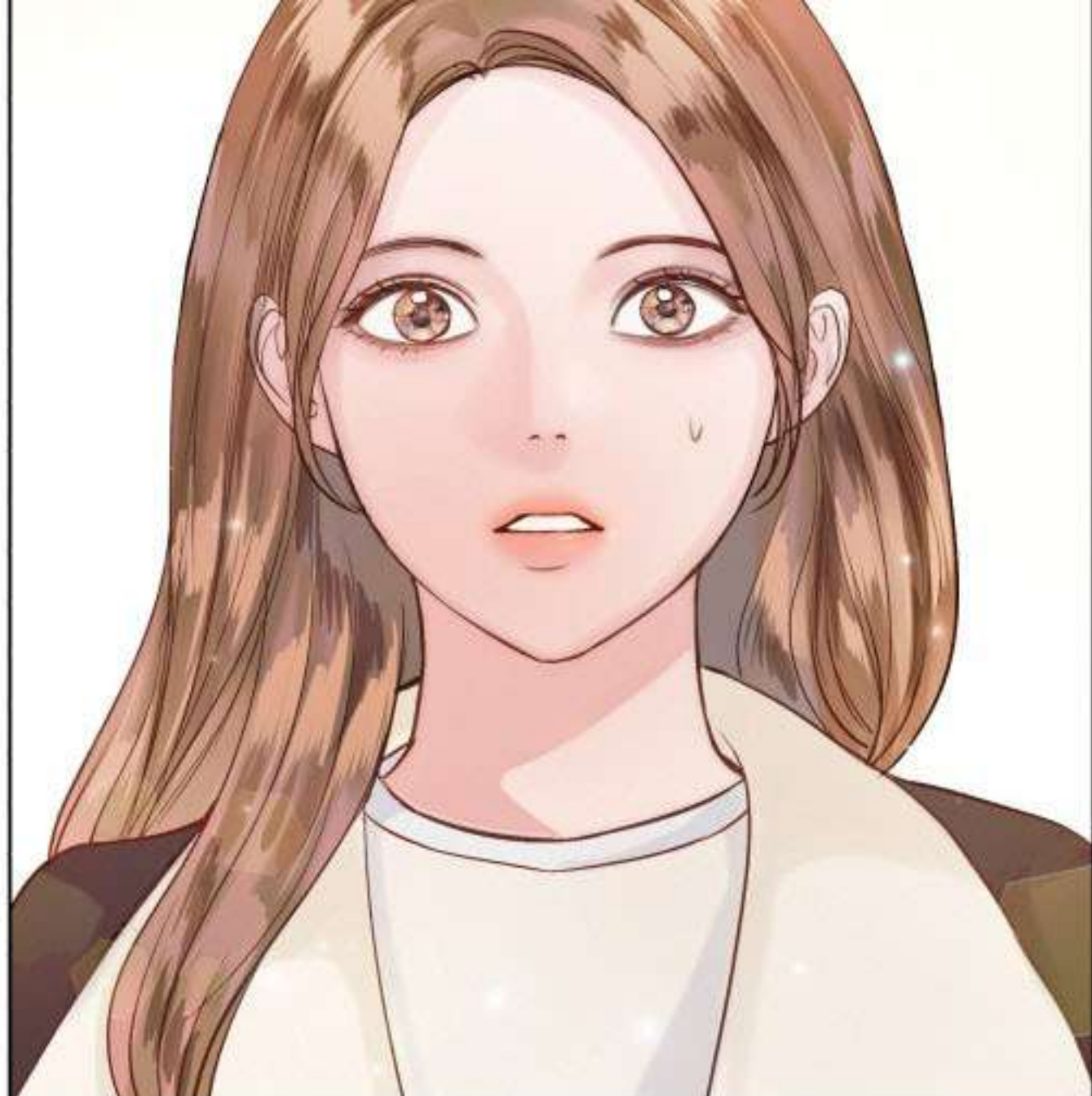
واقعا
خوشحالی!



خیلی
خوشانسی!

هاه؟
هن؟





فایعه!
فایعه!

اون فایعه
بین شهفرت و
یو سارا.





بخطرون
مسخره بازيي كه
ديروز با سونيه
كردم پاك اين
قضييه رو يادم
رفته بود.

بچه ها گفتن اون
صحنه از ما موقعي كه
توي تله كابين بوسان بوديم
از يه برنامه پخش شده.





بعد از اون، افکار عمومی
خیلی زود به سمت مقصر
دونستن روزنامه نگاری
که باعث این رسوایی
شده بود تغییر کرد.

معاون رئیس فروشگاه جی
با همسرش در ویدئو بی جی.

[انحصاری] دستکاری رسوایی سال نو.

رسوایی بزرگ یو سارا جعلی است.

ناگفته نمونه
که ارشد بهترین
معشوقه قرن می‌شه.

کانگ سون جه، معاون رئیس فروشگاه
جی با همسرش سال جدید را با هم گذراندند.

ثبت نگاه احساسی در جمع.

عشق خالصانه یک چبول.

چبول: اصطلاحی برای
خانواده‌های
ثروتمند کره‌ای.

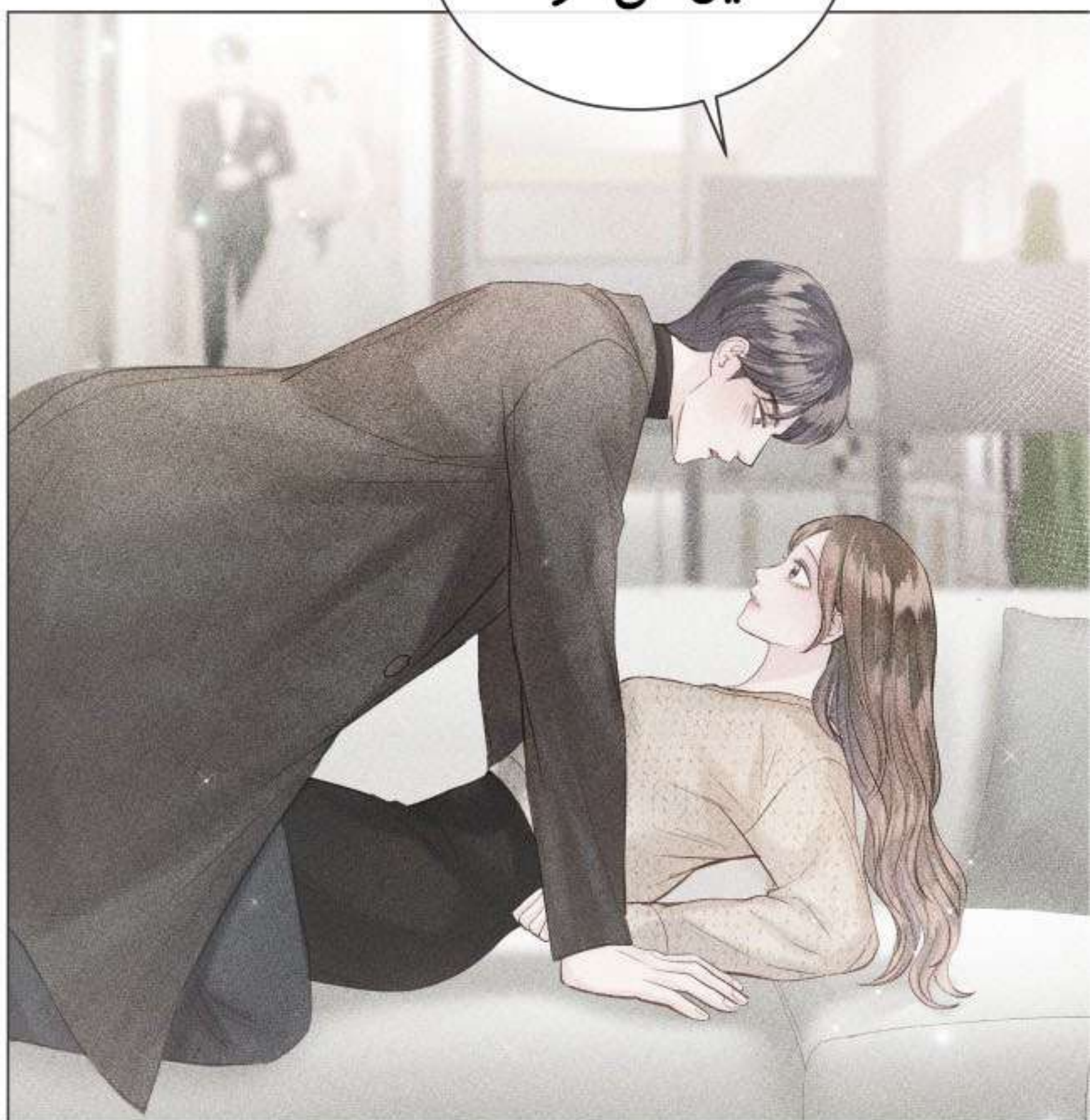
واقعیت
ایںہ کہ...

ۛۛۛۛۛۛۛۛ



می خواهم ببوسمت،
چون دلم می خواد.

دلم می خواد
اینکارو بکنم،
دلیل می خواد؟



동작

همه ادم های
سراسر دنیا
فریب خوردن.

اون روز تو با
شوهرت بعد
کنفرانس رفتین
به تله کابین؟



تا اون موقع
صبر کن.
این یه قراره سون
جه صد در صد
عاشق شده.

شما دو تا
خیلی خوب
با هم کنار میاین،
مثل فیلماس،
حسودیم شد.

شما ها واقعا
گول خوردین.

عشق؟





ایک



واقعا
نمی دونم.

که این
چییه؟



اگه نیست...

که این
چییه؟



اگه نیست...

ایں چہ کو قتیہ؟

کون

ایں چہ کو قتیہ؟

کون



چرا هنوز
اینجایی؟

از اون موقع
مراسم افتتاحیه
حالت بده.





چی شده؟

هیچی.







همه اون کسایی
که راحت عشق

شون رو به
زبون میارن
خوش شانسن.

چرا عصبانی ای؟
رابطت با یئون
وو خراب شده؟

دیروز سر
اون فاجعه
با هم دعوا
کردین؟





من، چرا،
دعوا سر اون.



هومم~



می‌خواهی
داداشت به
دردات گوش
بده؟



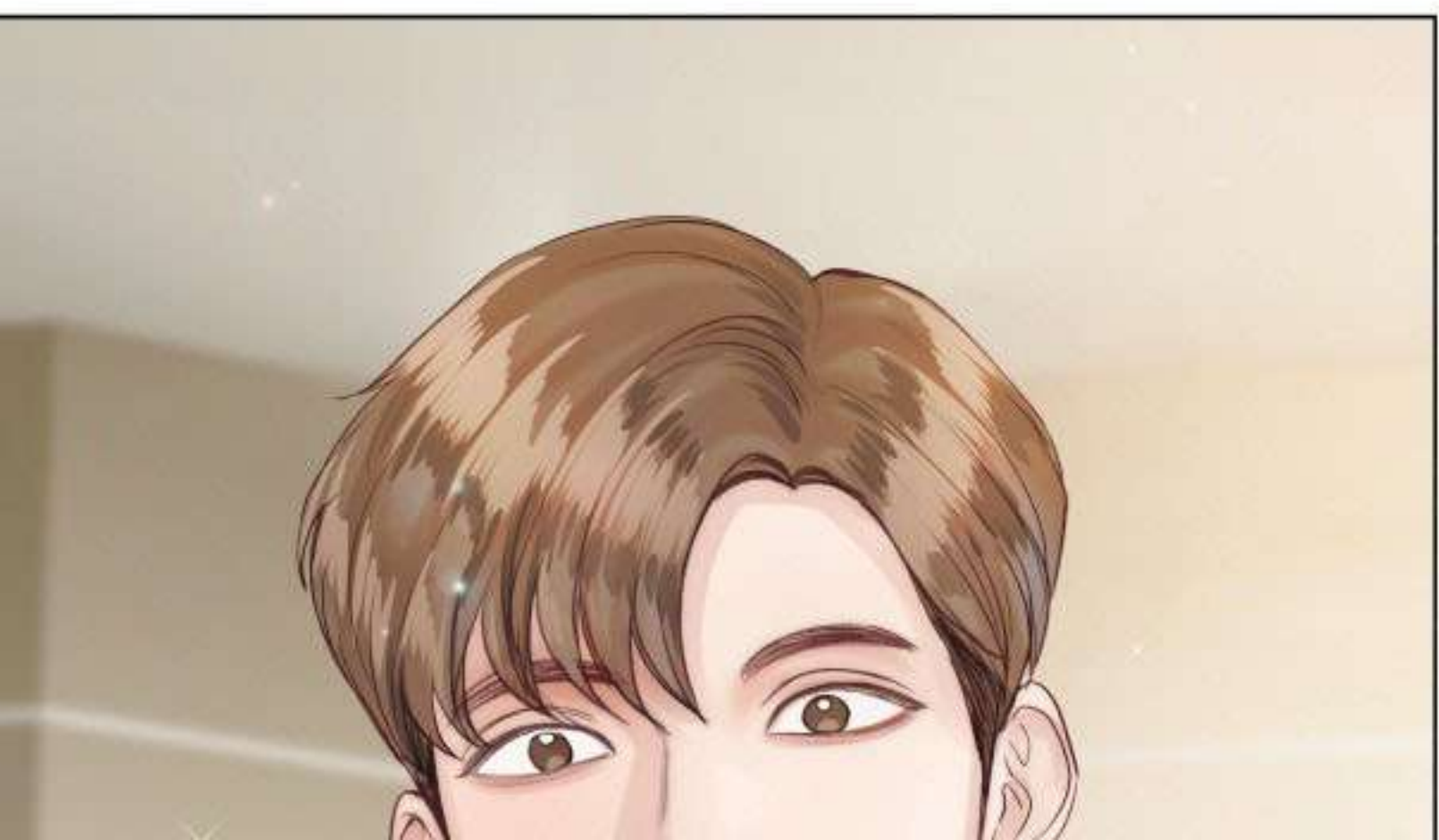
نچ.
👁️👁️

هی،
کانگ سون جه
خبر داری نمی‌تونی
همونطور که با من رفتار
می‌کنی با یئون وو
رفتار کنی.



و من ازت یه سال
بزرگترم، اگه بخوام
از نگاه یه ارشد که
یه سال زودتر
ازدواج کرده بگم،

بهتره رو
راست باشی.





باید صادق باشی
و هر چی دلت
می‌خواهد و بگی.



امہ کی
اپنو نمی دونہ
مخرمگس؟؟



نمی دونی کہ
من چطوری
رو راستم.





صادقانه بگم که
می خواستم اون پرو
پوسم پس بهش
گفتم می خواهم
پوسمش،

اما اینطوری
تمومش کردم.

پس منظورش
از "اون" چه
کوفتی بود؟

저녁



제복

چطور آدمی
مثل تو می تونه با
آدمی مثل یئون
وو بره سر قرار؟

واقعا راز
قرنه.

تو که یئون وو
رو ندزدیدی،
دزدیدی؟



احتمالا
اعتراف
نکردی؟

멍췌







...!!!



جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره